

بررسی چالش‌های تحقق دولت الکترونیک در افغانستان^۱

علی‌شاه حسنی^۲

محمدخالد حمیدی^۳

چکیده

اصطلاح «دولت الکترونیک» بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط دولت و به صورت گسترده‌ای در فرآیندهای دولتی تمرکز دارد. دولت الکترونیک شامل تبادلات الکترونیکی ما بین دولت، بخش عمومی و کارمندان است. دولت الکترونیک باعث گسترش فرهنگ خودخدمتی و شهروندان قادر می‌شوند به خود کمک کنند و از هزینه‌ها و اتلاف وقت خود بکاهند. ضرورت دولت الکترونیک ناشی از بحران اعتماد به دولت، خواست مردم، نسل جوان دیجیتال و صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌باشد. هدف دولت الکترونیک اجرای عدالت اجتماعی، ایجاد محیط تجاری بهتر، کارایی کارمندان دولت، افزودن فعل و انفعال بین دولت، شهروندان و بخش خصوصی به مقصد تسریع رشد فرآیندهای عمومی و ترقی دادن شفافیت و پاسخگویی در دولت. تحقیق حاضر به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و در جستجوی جواب معقول و علمی به پرسش از چالش‌ها و راهکارهای تحقق دولت الکترونیک در افغانستان است و نتیجه به دست آمده عبارت است از این که دولت الکترونیکی شیوه‌ای است برای حصول اطمینان شهروندان از اینکه به گونه‌ای یکسان از فرصت مشارکت در تصمیماتی برخوردارند. به کارگیری تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی برای بهبود ارائه خدمات در بخش عمومی، تسریع ارائه خدمات، پاسخگوتر شدن، شفافیت اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و دولت، مشارکت اثربخش تر شهروندان و گسترش عدالت اجتماعی تأثیرگذارند. چالش‌ها و موانع موجود در استقرار دولت الکترونیک عبارتند از: عدم تأمین برق و اینترنت دایمی و ارزان، نبود زیربنای تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، عدم وجود افراد و اشخاص متخصص تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، عدم وجود اراده و تعهد (فساد گسترده) در ادارات دولتی، عدم آگاهی مردم از مزایا و فواید دولت الکترونیک و راهکار جهت رفع چالش‌ها و بسترسازی برای دولت الکترونیک در افغانستان تأمین عناصر مذکور است.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه ماستری مدیریت دولتی.

۲. دانشجوی دکتری مدیریت.

۳. ماستری مدیریت دولتی. kh.hamidi1380@gmail.com

واژگان کلیدی: تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، دولت الکترونیک، چالش‌ها، بسترسازی، افغانستان

مقدمه

یکی از تغییرات اساسی جامعه امروز، ظهور تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات است که منافع زیادی را به همراه دارد. دولت الکترونیک یکی از پدیده‌های مهم حاصل از به‌کارگیری تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات است که پیاده‌سازی آن تحولی بس عمیق در روش زندگی، اداره و رهبری کشورها داشته و ترکیبی از تکنولوژی اطلاعات و شبکه اطلاع‌رسانی وب است که هدف آن، ارائه مستقیم خدمات به شهروندان، کارکنان دولت، بخش‌های تجاری و سایر بخش‌های دولت است (استیفن و کامینگز، ۱۳۹۰، ص ۷۷).

اصطلاح دولت الکترونیک به گونه جدی از دهه ۱۹۹۰ مطرح گردیده است و به عقیده صاحب‌نظران می‌تواند مدل‌های جدید حکومت را تکامل بخشد. هرچند این موضوع تعریف جافتاده و چندان مشخصی در جهان ندارد، اما معمولاً دولت الکترونیک برخلاف نامش، تنها مربوط به دولت نمی‌شود و به استفاده سازمان‌ها و ارگان‌های مختلف از تکنولوژی اطلاعات برای انتقال داده بین مردم و ادارات گفته می‌شود. با توجه به پیشرفت تکنولوژی، مردم انتظار دریافت خدمات دولتی را با حداقل هزینه و حداکثر سرعت از طریق بستر الکترونیکی را دارند. از آن سو سیستم‌های دولتی هنوز در بسیاری از بخش‌ها کهنه هستند و همچنین سرمایه‌گذاری کلانی بر این بخش صورت نمی‌گیرد (فقیهی، ۱۳۸۰، ص ۲۹).

کشورهای در حال توسعه در پیاده‌سازی دولت الکترونیکی، با مشکلات و موانع مختلف روبرو است. یکی از آن‌ها افغانستان است که در راه تحقق و پیاده‌سازی دولت الکترونیک، موانع بسیاری اعم از محدودیت‌های تکنولوژیکی، اقتصادی و مالی، نگرش‌های موجود در جامعه در سطح مدیران و کارکنان سازمان‌های مختلف و شهروندان قابل مشاهده است. موانع پیاده‌سازی دولت الکترونیک شامل مسائل مربوط به اعتماد و امنیت، عدم احساس نیاز به وجود دولت الکترونیک، چگونگی دسترسی کاربران به دولت الکترونیک و نحوه ارائه اطلاعات مورد نیاز شهروندان می‌باشد. چون در افغانستان افزون بر موانع و مشکلات مذکور موانع چون نبود برق دائمی، نبود اینترنت قوی و ارزان، عدم کارگران مسلکی تکنولوژی، عدم آگاهی افشار مختلف از

دولت الکترونیک و سایر مسائل مهم برای پیاده‌سازی دولت الکترونیک وجود دارد.

گرچه متخصصان علم اداره و مدیریت به مباحث گوناگونی در مورد ابعاد و جوانب مختلف موضوعات دولت الکترونیک در کشورهای پیشرفته پرداخته است، ولی تا حالا در مورد بررسی چالش‌های تحقق دولت الکترونیک در افغانستان کدام اثر علمی و تحقیقاتی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر در سال‌های اخیر اهمیت و ضرورت تحقق دولت الکترونیک در جهان و کشورهای در حال توسعه روبه افزایش بوده است. در دو دهه گذشته با ظهور تکنولوژی‌های جدید در تولید و ارتباطات، تحولاتی عظیم در عصر تکنولوژی و پیشرفت وسایل الکترونیکی ظهور کرده که نیاز مبرم آن در حکومت‌داری و بخش خصوصی است.

بنابراین باید یادآور شد که دولت الکترونیک یک موضوع مهم و اساسی برای محو فساد اداری و ایجاد یک دولت سالم است و نقش برجسته در شفافیت و تأمین عدالت اجتماعی در همه عرصه‌های حکومت‌داری دارد. تحقیق دولت الکترونیک در جهان در حقیقت یک دستاورد بزرگ برای ملت‌ها است و برای اینکه یک اداره سالم و مدیریت سالم در سطح کشور ایجاد گردد و مردم به دولت‌ها و سازمان‌های کشورشان ارزش و اهمیت قابل شونند تمام کشورهای جهان باید درصدد به وجود آوردن یک دولت الکترونیک باشند تا دست مافیای را که در ابعاد مختلف بخشهای دولتی دخیل اند کوتاه ساخته و زمینه یک دولت سالم و عاری از فساد در کشورها ایجاد گردد.

بنابر ضرورت روز افزون جامعه، سیستم‌ها و ابزار دولت الکترونیک یکی از موضوعات اساسی رشد خدمات سریع حکومت‌داری، ارتقاء ظرفیت ادارات بخش دولتی و در نهایت بلند بردن سطح رفاه اقتصادی اجتماعی کشور می‌باشد. از این رو تجزیه و تحلیل موضوع دولت الکترونیک و مسائل مرتبط به آن در افغانستان از اهمیت زیاد برخوردار است. بناً نیاز مبرم به تحقیقات علمی در مورد امکانات تطبیق و تحقق دولت الکترونیک جهت رشد و آگاهی طبقات علمی می‌باشد. از این رهگذر، یکی از روش‌هایی که می‌تواند منجر به رشد و توسعه کسب و کار فرد، جامعه و کشور گردد، تدوین و واضح نمودن روش‌ها و راهکارهای مؤثر برای رشد و تطبیق ابزار دولت الکترونیک می‌باشد، از جانب دیگر شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های این موضوع و امکانات تطبیق آن یکی از موضوعات مدرن حکومت‌داری خوب می‌باشد که بررسی علمی آن برای تمام ساحات دولتی و خصوصی مفید و مؤثر می‌باشد. علاوه بر آن تحقیقات علمی از مسائل دولت

الکترونیک و سیستم‌های اطلاعاتی مروج اداری سبب افزایش آگاهی علمی در طبقات تحصیلی می‌گردد. با این که پژوهش‌هایی که تاکنون درباره ماهیت و محتوای تحقق دولت الکترونیک در افغانستان صورت نگرفته است، لذا تدقیق و بررسی ابعاد گوناگون موضوع فوق تأثیر بسزایی برای ارائه خدمات کشور خواهد داشت.

در این تحقیق ما دنبال پیدا کردن جواب به این سؤال که چالش‌ها و راهکارهای تحقق دولت الکترونیک در افغانستان چیست؟ هستیم، اما برای اینکه به پاسخ سؤال یادشده برسیم می‌بایست اول به سؤالاتی چون

۱. مشکلات تحقق دولت الکترونیک در افغانستان کدامند؟

۲. بسترهای لازم جهت تحقق دولت الکترونیک کدامند؟

از این روی، اهداف تحقیق حاضر می‌تواند موارد ذیل باشد:

۱. بررسی موانع و چالش‌های موجود و ارائه راهکارها برای تحقق دولت الکترونیک در افغانستان.

۲. بررسی عناصر مهم و اساسی برای بسترسازی تحقق دولت الکترونیک در افغانستان؛

۳. مشخص ساختن عوامل ناکارآمد دولت الکترونیک؛

۴. بررسی شرایط و نیازهای اساسی برای تحقق دولت الکترونیک افغانستان؛

۵. بررسی وضعیت کنونی تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در کشور؛

۶. ارائه پیشنهادات و راهکارهای جدید و معاصر برای تحقق دولت الکترونیک در افغانستان؛

ادبیات و پیشینه تحقیق

در مورد دولت الکترونیک کتب، مقالات، تحقیقات و آثار زیادی وجود دارد، برخی از آن‌ها به موارد تخنیکی و تکنولوژیکی دولت الکترونیک به بحث پرداخته، برخی هم به موضوعات بسترسازی، شرایط، عوامل مؤثر بر توسعه تحقق دولت الکترونیک بحث نموده‌اند. بعضی محققین هم استقرار دولت الکترونیک را مربوط به کشورهای مشخص مورد بررسی قرار داده‌اند؛ اما با تلاش‌های بنده کدام اثر مشخص در مورد تحقق دولت الکترونیک در افغانستان به نظر نرسید. برخی از کتب و رسالات مربوط به تحقیق حاضر به‌طور خلاص این‌جا مورد بررسی قرار خواهیم گرفت.

بسترسازی برای استقرار دولت الکترونیک

این تحقیق توسط دکتر علی جهانگیری صورت گرفته است و در آن چالش‌ها و مشکلات معمول در مسیر توسعه دولت الکترونیک و همچنین عوامل بسترساز برای تحقق دولت الکترونیک بررسی شده‌اند. در این تحقیق پس از استخراج پیش‌ضرورت‌های استقرار دولت الکترونیک، تقسیم‌بندی آن‌ها در چهار بعد انسانی، تکنولوژیکی، اقتصادی و سازمانی از دیدگاه خبرگان تکنولوژی اطلاعات که بیشتر آن‌ها مدیران و کارشناسان تکنولوژی اطلاعات در سطح سازمان‌های دولتی و خصوصی‌اند بررسی شده است.

نتیجه آن که استقرار دولت الکترونیک در هر کشور به شرایط و عوامل بستگی دارد که مختص همان کشور است و مطالعات نشان می‌دهد که برای فراهم کردن بستر تحقق دولت الکترونیک تعدادی از عوامل در اولویت قرار دارند. در این تحقیق چهار عامل از قبیل عامل تکنولوژیکی، انسانی، اقتصادی و سازمانی و برخی از مؤلفه‌های مربوط آن مشخص گردیده و در آخر چنین می‌نگارد که با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد دولت راهبر این جریان حیاتی است و با سیاست‌گذاری مناسب تلاش در اجرایی کردن ارائه خدمات از طریق الکترونیک کردن، محقق شدن دولت الکترونیک در کشور قابل تصور خواهد بود. این تحقیق کلی بحث نموده است، اما راجع به مسائل تحقق دولت الکترونیک در کشورهای روبه‌انکشاف و به ویژه افغانستان بحث نکرده و سایر ابعاد مربوط به تحقق دولت الکترونیک در یک کشور را به بررسی نگرفته است.

مفهوم دولت الکترونیک

E مخفف (الکترونیک)^۱ و G مخفف (گورنمنت)^۲ است و در لغت به معنای حکومت و دولت است (آریان‌پور، منوچهر و دیگران، ۱۳۸۵: ۹۷۲). جامعه الکترونیک با استفاده از رایانه و بر اساس بزرگراه‌های اطلاعاتی مبتنی بر بانک‌های اطلاعاتی، فضاهاى نوینی به نام «فضای الکترونیک» شکل می‌گیرد (محسنی، ۱۳۷۶: ۲۷۶) و دولت الکترونیک، در کنار مفاهیم نوظهوری چون تجارت الکترونیک، شهرهای الکترونیک، آموزش الکترونیک، کسب‌وکار دیجیتال و ... از نمودهای جامعه الکترونیک (اطلاعاتی) و برساخت‌های آن و اعضای فعال در این فضای جدید

1. Electronic.
2. Government.

هستند.

هیئت حاکمه‌ای که برای جنبه‌های گوناگون اعمال حاکمیت، از فناوری اطلاعات استفاده می‌کند، «دولت الکترونیک» نام دارد. چنین دولتی امکان استفاده آسان از تکنولوژی اطلاعات را برای ارائه خدمات دولتی به صورت شبانه‌روزی به شهروندان میسر می‌سازد (فتحیان و مهدوی نور، ۱۳۸۹: ۱۷۴)

اصطلاح دولت الکترونیک به طور جدی از دهه ۱۹۹۰ مطرح گردیده است و به عقیده صاحبان‌نظران می‌تواند مدل‌های جدید حکومت را تکامل بخشد. مفهوم دولت الکترونیک یک تعریف پذیرفته‌شده جهانی ندارد. برخی از این تعاریف به شرح زیرند:

اصطلاح «دولت الکترونیک» بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط دولت و به صورت گسترده‌ای در فرآیندهای دولتی تمرکز دارد. شبکه اینترنت و تکنولوژی‌های مرتبط با آن می‌تواند کلیه ساختار و عملیات دولت را متحول سازد.

استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات برای ارائه خدمات عمومی، به منظور بهبود اثربخشی مدیریتی و ارتقای ارزش‌های دموکراتیک به مانند یک چارچوب قانونی است که منجر به بهبود و تقویت دانش جمعی و ابتکارات نوین در زمینه تکنولوژی اطلاعات می‌شود.

دولت الکترونیک شامل تبادلات الکترونیکی (مبادله اطلاعات و تراکنش‌ها) مابین دولت، بخش عمومی (شهروندان و کسب‌وکارها) و کارمندان است. (Means & Schnider, 2000, p.3)

دولت الکترونیک عبارت است از استفاده از ICT توسط دولت برای ارائه اطلاعات و خدمات عمومی به مردم، بنابراین؛ هدف از دولت الکترونیک بهبود کارایی دولت، مدیریت اطلاعات ارائه شده به شهروندان، ارائه خدمات بهتر به شهروندان و دادن اختیار بیشتر به مردم از طریق در دسترس گذاشتن اطلاعات و مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های عمومی است. (ایمانی و یوسفی، ۱۳۸۹: ۵)

دولت الکترونیک عبارت است از استفاده از ابزارها و سیستم‌هایی ایجادشده توسط تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، برای ارائه خدمات عمومی بهتر به شهروندان و کسب وکارها. (Brown & Brudney, 2001, p. 2)

دولت الکترونیک به وضعیتی اطلاق می‌شود که سازمان‌های قانون‌گذاری، مجریه و قضائی

عملیات داخلی و خارجی خود را الکترونیکی کنند و از سیستم‌های شبکه‌ای برای ارائه خدمات عمومی به شهروندان با کیفیت بهتر، به طور مؤثری استفاده کنند.

دولت الکترونیک عبارت است از بهینه‌سازی مستمر ارائه خدمات، مشارکت عمومی و حکمرانی از طریق تحول ارتباطات داخلی و خارجی بر پایه تکنولوژی، اینترنت و رسانه.

دولت الکترونیک عبارت است از استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات به منظور پیشرفت کار و مؤثر دولت، تسهیل دسترس‌پذیری خدمات دولت، اجازه دسترسی بیشتر عموم به اطلاعات و افزایش میزان پاسخگویی دولت به شهروندان. دولت الکترونیک شامل ارائه خدمات از طریق اینترنت، تلفن، مراکز ارتباطی مکانیزه، سیستم‌های ارتباطی بی‌سیم و غیره می‌باشد. (ابراهیمی و بختیاری، ۱۳۸۰: ۶)

با توجه به اهداف و نتایج اجرای دولت الکترونیکی و نیز تعاریف مختلفی که توسط سازمان‌های داخلی و مجامع بین‌المللی ارائه شده می‌توان گفت دولت الکترونیکی عبارت است از کاربرد فضای مجازی و تغییر ساختار و عملیات داخلی و خارجی دولت به منظور امکان تبادلات الکترونیکی مابین بخش‌های مختلف دولت، مردم و کسب‌وکارها و ارائه خدمات عمومی یکپارچه و با کیفیت به شهروندان، کسب‌وکارها و صنعت، افزایش میزان دسترس‌پذیری شهروندان به خدمات، توانمندسازی شهروندان از طریق دسترسی به اطلاعات و به تبع آن افزایش اختیار مردم، مشارکت مردم، تقویت دانش جامعه، افزایش ابتکارات نوین، بهبود کارایی و اثربخشی دولت و افزایش میزان پاسخگویی دولت به شهروندان. (ابراهیمی و بختیاری، ۱۳۸۰: ۱۱)

خاطر نشان می‌سازد؛ دولت الکترونیکی عنوانی است که برای فراهم شدن بسترهای مورد نیاز تبادل الکترونیکی در کشور در نظر گرفته شده است. این عنوان با در نظر گرفتن نقش کلیه بازیگران و ذینفعان (اعم از دولتی، حاکمیتی و خصوصی) که به صورت مستقل عرضه‌کننده خدمات الکترونیکی می‌باشند، از جامعیت برخوردار بوده و کلیه ارکان کشور اعم از سازمان‌های دولتی، نهادهای حکومتی و کسب‌وکار (بخش خصوصی) را در بر می‌گیرد و به عبارتی در پی تحول نهادی و استقرار «نظام و یا حاکمیت الکترونیکی» است. (Ghayur, 2007, p.1)

روند ایجاد دولت الکترونیک

روند ایجاد دولت الکترونیک بدین صورت بوده است که در طول نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، بخش

خصوصی آمریکا مسئول خلق خدمات الکترونیکی شد. وجود تکنولوژی وب^۱، به برانگیختن برخی اقدامات تجاری در شرکت‌ها منجر گشت و لذا نتایج خوب و قابل سنجشی از این اقدامات حاصل شد. مهم‌تر از آن، این بود که کارکنان هرچه بیشتر اثربخش شدند به طوری که در بازده کاری آن‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای پدید آمد. برای مثال، در سال ۱۹۹۹، میانگین بازده کاری هر ساعت فرد، پنج درصد افزایش پیدا کرد. لذا بدین طریق، بذریه‌های کارایی به واسطه به‌کارگیری این چنین فناوری‌ها پاشیده شد و لذا فناوری وب به تغییراتی در شغل، شاغل و ارتباطات منجر شد. زمانی که فناوری وب در اکثر بخش‌های خصوصی به کار گرفته شد، دولت از این بابت عقب مانده بود. لذا توجه دولت به این مسئله معطوف گشت که ارائه خدمات به شهروندان به صورت الکترونیک بسیار ساده‌تر خواهد بود. در نتیجه، وینتون سرف^۲ که به عنوان یکی از پدر بزرگ‌های اینترنت مشهور است این پیشنهاد را به رهبران دولتی داد که «لطفاً از تکنولوژی اطلاعات استفاده کنید. اجازه دهید که خدمات‌تان، بیشتر در دسترس باشد. همچنین، هرگز از تکنولوژی وب نهراسید، اما همواره برای آن برنامه‌ریزی کنید». لذا شهر گولدن به این نیاز استراتژیک پی برد و در جون ۲۰۰۱، برنامه‌ریزی استراتژیک برای دولت الکترونیک را تدوین کردند.

به‌هرحال، بهره‌گیری از امکانات دولت الکترونیک می‌تواند موجب ارائه بهتر خدمات دولتی به شهروندان شود و امکان استفاده و دسترسی برابر کلیه شهروندان، تعامل اثربخش‌تر با طرف‌های درگیر و غنی‌سازی شهروندان را فراهم آورد و در مجموع، به ایجاد مدیریت دولتی اثربخش‌تر منجر شود. از جمله نتایج مورد انتظار از چنین فرایندی، کاهش فساد اداری و شفافیت بیشتر امور، بالا رفتن میزان مسئولیت، دائمی شدن بهبود روندها و فرایندها، راحتی بیشتر، رشد منابع و کاهش هزینه خدمات است. با ظهور تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطی، مراکز خدمات‌رسانی به مشتریان نزدیک‌تر می‌شوند و افراد می‌توانند حتی از طریق رایانه‌های شخصی، خدمات خود را دریافت کنند. همچنین دولت الکترونیک موجب صرفه‌جویی در وقت و هزینه، دولت، شهروندان و کسب‌وکار می‌گردد. جهانی‌شدن نیز دولت‌ها را وادار می‌سازد تا به‌منظور فروش کالا و خدمات خویش و همچنین صدور فرهنگ و شناساندن خویش به سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها، اقدام به

1. WEB.

2. VINTON CERF.

تأسیس دولت الکترونیک کنند. (جهانگیری و علوی، ۱۳۸۵: ۳۳)

دولت الکترونیک در افغانستان

افغانستان کشوری است با سابقه ۳۰ سال جنگ داخلی و خارجی و خرابی‌های گسترده‌ای که بازسازی آن سال‌ها طول می‌کشد و زیرساخت‌هایی که در این جنگ خانمان‌برانداز سراسر از بین رفته است.

اما افغانستان امروز، غیر از آن چیزی است که رسانه‌های رسمی برای ما ترسیم می‌کنند. در حوزه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، افغانستان ۴ اپراتور تلفن همراه خصوصی و یک اپراتور دولتی تلفن ثابت (که قرار است آن هم به بخش خصوصی واگذار شود) دارد که به جرأت می‌توان گفت قیمت و کیفیت خدمات آنتن‌دهی آنان از ۲ اپراتور تلفن همراه ایران بیشتر است و تقریباً بیش از ۸۰ درصد از مساحت کل این کشور پهناور و صعب‌العبور را تحت پوشش خود دارند.

وجود این بستر ارتباطی، در کنار سیاست‌های توسعه‌ای این کشور و از همه مهم‌تر تفکرات آگاهانه، توسعه‌گرا و هوشمندانه مدیران عالی دولت و به‌خصوص مدیران وزارت ICT افغانستان و استفاده از تجربیات اثبات‌شده جهانی، باعث شده است که به‌خوبی نیاز افغانستان توسعه‌یافته را در دنیای آینده درک کنند و برای آن برنامه‌ریزی کنند.

افغان‌ها به‌خوبی دریافته‌اند که یکی از راه‌های کم‌کردن خلأ دیجیتال و توسعه اقتصادی و اجتماعی، برقراری حداکثر ارتباط با جهان خارج است و اینترنت آن هم از نوع پرسرعتش بهترین، ارزان‌ترین و کاراترین ابزار است.

مدیران وزارت مخابرات افغانستان به‌خوبی درک کرده‌اند که هرچه برای توسعه کیفیت، افزایش امکان و سهولت دسترسی عموم مردم افغانستان به اینترنت سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند منافع بسیار بیشتر را به دست خواهند آورد و به همین خاطر در تلاشند تا ظرف ۲ سال آینده برای همه مردم امکان دسترسی به اینترنت را فراهم نمایند.

ساختار دولت الکترونیک در افغانستان

دولت الکترونیک در افغانستان یک اصطلاح جدید است؛ در واقع این اصطلاح با شروع دولت جدید در اواخر سال ۲۰۰۱ با دخالت مستقیم جامعه بین‌المللی آغاز شد. از سال ۲۰۰۱، دولت

برای استفاده از سیستم‌های قدیمی مبتنی بر کاغذ متکی بود؛ رایانه‌ها، پایگاه‌های داده و اینترنت به ندرت در چندین دفاتر دولتی در دسترس قرار دارند. با ایجاد دولت جدید، جامعه بین‌المللی حمایت مالی و فنی را به عهده گرفت و دولت افغانستان را تشویق کرد تا ارائه خدمات الکترونیکی خود را با استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات که برای هر دولت در سراسر جهان ضروری است، بهبود بخشد (جهانگیری و علوی، ۱۳۸۵: ۳۳).

دولت جدید افغانستان طرح اولیه بلندپروازانه‌ای را برای توسعه تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات در هنگام آغاز کار خود در زمان آماده‌سازی اولین استراتژی انکشافی ملی (ANDS) آماده کرد. بر اساس این استراتژی، به گفته وزارت مخابرات کشور، هدف استراتژیک وزارتخانه، دستیابی به دسترسی عادلانه از طریق تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات تا سال ۲۰۱۰، حدود ۸۰ درصد از جمعیت (وزارت مخابرات) است. تقریباً پنج سال بعد، به نظر نمی‌رسد که هدف استراتژیک در زمینه حاکمیت الکترونیکی به دست آید. با این حال، شبکه کبیل فایبر نوری که در ارائه خدمات اینترنت کمک خواهد کرد در حال انجام است. هزینه این پروژه حدود ۱۳۰ میلیون دالر برآورد شده است و از سوی بانک جهانی تأمین می‌شود. تکمیل این پروژه و اتصال ۳۴ ولایت با این شبکه نقش مهمی در بهبود خدمات اینترنت در کشور خواهد داشت و هزینه‌های اینترنت و ارتباطات را به‌طور قابل توجهی کاهش می‌دهد.

سازمان ملل متحد و سایر سازمان‌ها مانند بانک جهانی و اداره انکشاف بین‌المللی ایالات متحده با حمایت مالی و فنی به افغانستان کمک کرده است. با حمایت جامعه جهانی، دولت الکترونیک طی چند سال گذشته به‌طور چشمگیری بهبود یافته است که در بهبود سریع رتبه‌بندی افغانستان با توجه به شاخص توسعه اقتصادی دولت (EGDI) از ۱۸۴ در سال ۲۰۱۲ به ۱۷۳ در سال ۲۰۱۴ منعکس شده است. با این حال، افغانستان هنوز در حوزه اداره پست بسیار ضعیف است. براساس نظرسنجی‌های انجام شده، افغانستان در پایین‌ترین رده این شاخص با نمره ۰.۱۹ در سال ۲۰۱۴ میلادی قرار داشت.

در افغانستان، دو وزارتخانه به شدت در معرفی و مدیریت اداره پست الکترونیکی دخیل هستند: وزارت مخابرات (MCIT) و وزارت مالیه. چندین پروژه بزرگ را زیر دست گرفته است، مانند کارت شناسایی ملی دیجیتال، پاسپورت دیجیتال، فایبر نوری ملی و ایجاد مرکز

منابع انسانی مدیریت. تکمیل پروژه‌های فوق‌الزاماً مدیریت الکترونیک را بهبود می‌بخشد و برای سازمان‌های دولتی و خصوصی و شهروندان آن را آسان و ارزان می‌کند. علاوه بر این، وزارت مالیه مسئول مدیریت و بهبود امور مالی دولتی و اداره امور الکترونیکی است. در طی چند سال گذشته، سیستم‌های کامپیوتری مدرن برای مدیریت سفارشی و مالیات، بودجه ملی و کمک‌های خارجی معرفی شده است. این سیستم‌ها ستون فقرات مدیریت امور مالی دولتی افغانستان را تشکیل می‌دهند (الهی، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

نقش شهروندان در تحقق دولت الکترونیک

ارائه اطلاعات به شهروندان و مشارکت آن‌ها در تصمیم‌گیری برای هر دولت به‌ویژه برای کشورهای بی‌اعتماد میان دولت و شهروندان آن کم است، بسیار مهم است و ادعاهای فساد زیاد است. به‌منظور کسب اعتماد عمومی، دولت افغانستان از طریق استفاده از وب سایت‌های اینترنتی و خطوط وزارتخانه‌ها، تعداد بیشتری از اطلاعات مالی و غیر مالی را با مردم به اشتراک می‌گذارد. بودجه‌های ملی ابزار اصلی هستند که از طریق آن دولت‌ها نیازهای شهروندان خود را تأمین می‌کنند و فقر را کاهش می‌دهند؛ بنابراین، بودجه برای افراد عادی بسیار مهم است. با این حال، بیشتر کشورهای کمتر توسعه‌یافته برای شهروندان خود فرصت برای شرکت در روند بودجه فراهم نمی‌کنند. به گفته بانک جهانی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD)، مشارکت عمومی یا تعامل بین دولت و شهروندان می‌تواند به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از طریق گروه‌های علاقه‌مند و سازمان‌های غیر دولتی صورت گیرد. مشارکت مردم به شهروندان مستقیماً یا غیر مستقیم در سیاست‌گذاری به عنوان بخشی از روند رسمی یا غیر رسمی مشارکت می‌کند. شناخت مشارکت عمومی در روند بودجه، توجه جهانی است. به‌ویژه در اروپا و کشورهای آمریکای لاتین، بر اساس قوانین مدیریت امور مالی دولتی، هر کشوری از مکانیزم‌های مختلفی برای دخالت شهروندان خود در بودجه‌بندی در سطح ملی و فراملی استفاده می‌کند (کردستانی، ۱۳۸۶، ص ۱۹).

از آنجا که اطلاعات، پایه و اساس مشارکت عمومی است، بناءً اگر اطلاعات در دسترس عموم قرار نگرفته باشد، پس آن‌ها نمی‌توانند در مورد سیاست‌های دولت نظر دهند. از این رو، دولت باید همه اسناد بودجه را برای عموم آزاد سازد، البته از طریق ارسال آن به وب سایت خود. مؤسسه مالی

نیاز به بهبود مشارکت عمومی خود دارد؛ در کشورهای دیگر، مؤسسه مالی دارای یک ایمیل یا تماس تلفنی خاص است که از طریق آن مردم می‌توانند به طور مستقیم با وزارت مالیه ارتباط برقرار کنند. در برخی از کشورها، وزارت مالیه بر اساس نخست‌وزیری رهبری می‌شود، به طوری که مردم به طور مستقیم با پیشنهاد نخست‌وزیر پیشنهادی و افکار خود در مورد پیش نویس بودجه، با دولت مواجه می‌شوند و تلاش می‌کنند تا آن را به حداکثر برسانند (همان، ص ۱۲).

مشارکت عمومی با دولت همچنین نقش مهمی در کاهش فساد دارد. اکثر سازمان‌های کشورهای جهان توسعه یافته ایمیل‌ها و خطوط تلفن را استفاده می‌کنند که از طریق آن شهروندان می‌توانند شکایت خود را با سازمان‌های مربوطه شریک سازند یا فساد و سوء استفاده از منابع را گزارش دهند. متأسفانه در افغانستان چنین سیستمی وجود ندارد و در همه وزارتخانه‌ها / سازمان‌ها وجود ندارد، در چند سازمان که در آن وجود دارد، به درستی کار نمی‌کند و پیگیری درستی وجود ندارد. اگر دولت بخواهد با فساد مبارزه کند و خدمات خود را بهبود بخشد، باید سیستم‌هایی را بهبود ببخشد که از طریق آن ارتباطات با شهروندانش بهبود یافته و بدین ترتیب اعتماد شهروندان به دست آید. کاهش روبرو شدن بین موکلین و مقامات دولتی یا تجارتي امکان فساد اداری را تنزل می‌بخشد که این کار از طریق ایجاد دولت الکترونیک ممکن است.

وزارت مالیه افغانستان تنها وزارتخانه‌ای است که در مقایسه با سازمان‌های دیگر کشور نسبتاً خوب E-Governance دارد. سایر وزارتخانه‌ها / سازمان‌های مهم باید از مرحله‌ی مالی وزارت امور خارجه پیروی کنند و با استفاده از E-Governance امور اداری خود را مدیریت نمایند تا فعالیت‌های‌شان را شفاف‌تر و در اختیار عموم قرار دهند (جهانگیری و علوی، ۱۳۸۵: ۵۹).

امکان و ضرورت حکومته داری الکترونیک در افغانستان

بر مبنای حقوق اساسی هر کشور، شهروندان از دولت‌ها انتظار دارند که به آنان خدمات‌رسانی مناسب و به موقع صورت بگیرد. دولت‌ها نیز متقابلاً در جستجوی یافتن راه آسان و آسوده برای خدمت‌رسانی به مردم می‌باشند که با هزینه کمتر و زمان مناسب‌تر انجام شود. (حسینی، ۱۳۹۶: ۷) چگونگی ارائه خدمات دولت به شهروندان، با تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی عمومی دولت رابطه ناگسستنی دارد. به همین سبب است که شهروندان در کنار ارائه خدمات رفاهی، گردش آزاد

اطلاعات را نیز برای خود سرنوشت‌ساز و مهم می‌انگارند. با این رویکرد شهروندان در تلاش‌اند که به صورت آسان در برنامه ریزی های دولت مشارکت داشته باشند. حساسیت این مسئله دولت‌ها را نیز ناگزیر ساخته است که برای شفافیت و مشروعیت بخشی به تصمیم‌هایشان، به شهروندان اطلاعات به موقع ارائه کنند و افکار عمومی را با خود داشته باشند. بدین اساس دولت‌ها بر آنند که ارتقای ظرفیت نمایند و از رویه سنتی به سمت الکترونیک شدن تغییر وضعیت بدهند. دولت‌داری الکترونیک دقیقاً از همین جا آغاز شده است. با این حساب، دولت‌ها جهت دسترسی مناسب شهروندان به اطلاعات و خدمات دولتی و ایجاد فرصت برای مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی‌های دولت، مسیر خود را به سمت دیجیتال شدن می‌پیمایند. (حسینی، ۱۳۹۶: ۷)

براساس یک برداشت عمومی و مشترک، دولت دیجیتالی یا الکترونیک عبارت است از یک دولت ارقامی دیجیتالی بدون دیوار در یک ساحت مجازی که خدمات را به صورت بلا واسطه به مشتریان ارائه می‌دهد و موجب مشارکت آنان در فعالیت‌های دولت می‌گردد. با این مفهوم دولت الکترونیک یا دولت دیجیتالی، به استفاده دولت از تکنولوژی اطلاعات برای جابجایی اطلاعات بین مردم، سازمان‌ها، بازار و ارکان دیگر دولتی، گفته می‌شود.

بنابراین، یکی از اهداف اساسی دولت الکترونیک، این است که تمامی شهروندان بتوانند در سرنوشت خویش دخالت داشته باشند. با این عمل و با مشارکت گسترده مردم در واقع دولت ماهیت غیررسمی به خود می‌گیرد و شهروندان می‌توانند به‌طور کامل با دولت در تعامل باشند. هم‌اکنون اکثر کشورها در تلاش‌اند که با استفاده از تکنولوژی ارتباطات در مواردی چون پرداخت مالیات و عوارض، تجدید گواهینامه، دریافت و تجدید جواز کسب، ثبت شرکت، عقد قرارداد، ثبت ازدواج و طلاق، ثبت تولد و مرگ، انجام فعالیت‌های مالی و اعتباری، شرکت در انتخابات، پرکردن فرم‌های الکترونیک برای مقاصد مختلف، بازدید از موزه‌ها، استفاده از کتابخانه‌های مجازی، تعامل با نهادهای مختلف دولتی و تجاری و اجتماعی، پرداخت صورت حساب‌های مختلف مثل صورت حساب آب و برق و تلفن و گاز، دریافت اجازه ساخت و ساز ساختمان، دریافت اطلاعات مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و موارد دیگر به صورت الکترونیک به شهروندان خود ارائه خدمات نمایند.

حکومت‌داری الکترونیک در افغانستان سابقه چندانی ندارد و از سال ۱۳۹۴ بدین سو است

حکومت به‌طور مصمم در تلاش است تا از تکنولوژی دیجیتال در ادارات حکومتی استفاده کند و آن را تقویت ببخشد. هرچند که سیستم داری الکترونیک که بر پایه‌ی تکنولوژی معلوماتی استوار است، امیدها را برای تأمین حکومت‌داری بهتر در افغانستان نوید می‌دهد، با این‌هم تاکنون در افغانستان سیستم اداری کهنه و پیچیده در ادارات دولتی در کنار فساد گسترده و عرضه‌ی خدمات ناکافی، وقت بسیاری را تلف می‌کند.

بنابراین، یکی از عوامل عمده که باعث چالش‌های فراوان در ادارات دولتی افغانستان می‌باشد همین سیستم و کارگزاران فرسوده در کشور می‌باشد که به صورت فساد گسترده اداری نمایان می‌شود. بدیهی است که سیستم کهنه و قدیمی روند رسیدگی به امور را طولانی و میزان شفافیت و پیشرفت کار را کاهش می‌دهد.

به‌کارگیری حکومت الکترونیک در افغانستان، ضمن کوتاه‌سازی روند کاری و شفافیت امور، امکان جعل اسناد کاغذی را نیز از بین می‌برد. از دیگر جنب با دیجیتال شدن امور، بروکراسی کاهش چشمگیر می‌یابد و میزان شفافیت ارتقا پیدا می‌کند.

از دیگر جنب، حکومت افغانستان ناگزیر است که برای جذب و اطمینان سرمایه‌گذاری و کمک‌های بین‌المللی، خود را با سایر ادارات دنیا هماهنگ بسازد. برای به دست آوردن این هدف لازم است که حکومت افغانستان در مسیر الکترونیک شدن گام جدی بردارد تا از این طریق میزان شفافیت و مبارزه با فساد را کاهش بدهد و در تعامل با سازمان‌های بین‌المللی فرصت تبادل آمار و اطلاعات تجارتي و مالی را به صورت آنلاین فراهم بسازد.

الکترونیک شدن ادارات حکومتی در افغانستان، سرعت عمل را بالا می‌برد و باعث صرفه‌جویی زمانی و اقتصادی برای دولت افغانستان می‌گردد. حکومت افغانستان برنامه حکومت‌داری الکترونیک را در ماه سنبله ۱۳۹۴ آغاز کرد و هدف از این کار را ایجاد شفافیت، مبارزه با فساد اداری و عرضه خدمات بهتر در مدت زمان کمتر به شهروندان این کشور خواند. در همان زمان وزارت مخابرات افغانستان اعلام کرد که بخش‌های عمده حکومت‌داری الکترونیک شامل توزیع تذکره الکترونیک، ایجاد مرکز معلومات دولتی، ایجاد شبکه‌های خدماتی داخلی، مرکز ثبت خودکار اسناد، تدوین فورم‌های دولتی و افزایش سطح دانش فنی الکترونیک می‌باشد. (حسینی،

از آن زمان تا کنون، حکومت افغانستان موفق شده است که استفاده از فناوری دیجیتال را در توزیع تذکره الکترونیک به مرحله اجرا بگذارد. هرچند که این امر مدت زمانی زیادی را در بر گرفته است اما برای حکومت افغانستان یک دست آورد بزرگ تلقی می‌گردد و تطبیق عملی این پروژه الکترونیک است.

روش تحقیق

در این تحقیق از نگاه نوع و کاربرد تحقیق از روش توصیفی پیمایشی استفاده صورت گرفته و به فن جمع‌آوری اطلاعات متناسب با ماهیت موضوع روش غیرمستقیم و کتابخانه‌ای بوده و در حد امکان از مقالات نیز استفاده شده و از لحاظ کاربردی تحقیق، از روش بنیادی بهره گرفته شده است. نخست بخش تئوری تحقیق تکمیل گردیده و بعداً پاسخ‌های پرسش‌نامه توسط برنامه SPSS تجزیه و تحلیل گردیده.

نوع تحقیق از لحاظ هدف

نوع تحقیق از لحاظ هدف اکتشافی است که هنوز تحقیق در این زمینه وجود ندارد و این پژوهش برای اولین بار در صدد کشف موانع و چالش‌های تحقق دولت الکترونیک در افغانستان می‌باشد. از لحاظ هدف تحقیق حاضر، یک تحقیق کیفی است که با استفاده از اسناد و منابع معتبر علمی و توزیع پرسشنامه در مورد موانع و چالش‌های استقرار دولت الکترونیک در افغانستان به دست آمده است.

از لحاظ جهت‌گیری و کاربرد این تحقیق هم بنیادی است و هم کاربردی است که از یک طرف باعث توسعه ادبیات تحقیق می‌گردد و از طرف دیگر می‌تواند مورد استفاده حکومت و نهادهای حکومتی واقع گردد.

کلیه اشخاص که به شکل از اشکال کارمند دولت (وزارت مخابرات و تکنولوژی) می‌باشد، در نظر گرفته شده است.

به تعدادی ۱۲۰ نفر از کارمندان وزارت مخابرات و تکنولوژی و بخش خصوصی جامعه پرسشنامه‌ها با تعداد ۲۲ سؤال در مورد موانع و چالش‌های استقرار دولت الکترونیک در افغانستان توزیع گردیده است. روش نمونه‌گیری مورد نظر در این تحقیق، روش قضاوتی یا هدفمند است.

در این تحقیق از اسناد و منابع کتابخانه‌ای و هم پاسخ‌های دریافت شده به اساس پرسشنامه استفاده به عمل آمده است و سؤالات پرسشنامه در محورهای مختلف آماده شده و نظر پاسخ‌دهندگان در آن اخذ شده است.

پرسشنامه‌ها و پاسخ‌های این تحقیق توسط برنامه SPSS تجزیه و تحلیل شده و تمام آمار و ارقام مربوط موضوع، با گراف‌های مشخص واضح و روشن شده است. سؤال‌های نخست پرسشنامه مربوط احوال شخصی پاسخ‌دهندگان است که جنسیت، سن، شغل و سطح تحصیل را نشان می‌دهد و سؤالات بعدی مربوط موضوع تحقیق موانع و چالش‌های تحقق دولت الکترونیک در افغانستان) می‌باشد و در نتیجه تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها، گراف‌های آن طرز دید پاسخ‌دهندگان را راجع به موضوع مشخص می‌نماید. متغیر اصلی یا مستقل در این تحقیق (دولت الکترونیک) بوده و نیز از (موانع و چالش‌ها) می‌توان به‌عنوان متغیرهای وابسته نام برد.

تجزیه و تحلیل اطلاعات

تحقیق حاضر که در آن از روش میدانی استفاده شده است حدود ۱۲۰ نفر مورد پرسش قرار گرفته‌اند که از جمله ۶۳.۳٪ مرد و ۳۶.۷٪ زن بوده‌اند. از لحاظ سنی بیش از ۹۰٪ پاسخ‌دهندگان بین ۲۵ تا ۴۰ سن داشته و حدوداً ۸۰٪ آن‌ها متأهل هستند. ۵٪ آن‌ها دارای درجه تحصیلی دکتری ۲۸٪ ماستری و ۶۲٪ آن‌ها لیسانس بوده‌اند.

بر اساس برآیند تحقیق در مورد مهم‌ترین عوامل برای بسترسازی جهت تحقق دولت الکترونیک به ترتیب زیربنای تکنولوژی افراد متخصص برق دایمی بانکداری و اینترنت ارزان را انتخاب نموده‌اند.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۲۵.۰٪ افراد متخصص، ۲۹.۲٪ زیربنای تکنولوژی، ۱۳.۳٪ بانکداری الکترونیک، ۲۴.۲٪ برق دایمی و ۸.۳٪ گزینه اینترنت ارزان را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که بستر سازی برای تحقق دولت الکترونیک در افغانستان مربوط به افراد متخصص می‌باشد.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۲۶.۷٪ افراد متخصص، ۲۰.۸٪ زیربنای تکنولوژی، ۱۸.۳٪ بانکداری الکترونیک، ۱۸.۳٪ برق دایمی و ۱۵.۸٪ گزینه اینترنت ارزان را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند

که عدم پیشرفت اقدامات در جهت تحقق دولت الکترونیک در افغانستان مربوط افراد متخصص می‌باشد.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۱۷.۵٪ تأمین اینترنت، ۱۷.۵٪ فعالیت‌های وزارت مخابرات، ۲۰.۰٪ واگذاری به بخش خصوصی، ۲۵.۰٪ وجود افراد مسلکی و متخصص و ۲۰.۰٪ گزینه تأمین برق دائمی را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که فرصت‌های طلایی برای بسترسازی دولت الکترونیک در افغانستان در وجود افراد مسلکی و متخصص است.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۱۳.۳٪ تأمین اینترنت، ۲۲.۵٪ فعالیت‌های وزارت مخابرات، ۲۰.۸٪ واگذاری به بخش خصوصی، ۳۰.۸٪ وجود افراد مسلکی و متخصص و ۱۲.۵٪ گزینه تأمین برق دائمی را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که عامل اصلی به وجود آمدن و استقرار دولت الکترونیک در افغانستان در وجود افراد مسلکی و متخصص است.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۱۶.۷٪ تأمین اینترنت، ۱۵.۰٪ فعالیت‌های وزارت مخابرات، ۱۹.۲٪ واگذاری به بخش خصوصی، ۱۹.۲٪ وجود افراد مسلکی و متخصص و ۳۰.۰٪ گزینه تأمین برق دائمی را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که یکی از فرصت‌های موجود برای ایجاد بستر مناسب دولت الکترونیک در افغانستان در تأمین برق دائمی است.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۸.۳٪ نبود بانکداری الکترونیک، ۱۱.۷٪ نبود اینترنت قوی، ۴۰.۰٪ عدم آگاهی مردم، ۱۸.۳٪ نبود متخصصین تکنولوژی و ۲۱.۷٪ نبود برق دائمی را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که چالش‌های اساسی در مقابل تحقق دولت الکترونیک در افغانستان در عدم آگاهی مردم است.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۱۵.۰٪ نبود بانکداری الکترونیک، ۱۳.۳٪ نبود اینترنت قوی، ۲۸.۳٪ عدم آگاهی مردم، ۳۰.۰٪ نبود متخصصین تکنولوژی و ۱۳.۳٪ نبود برق دائمی را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان

به این نظر هستند که نبود متخصصین تکنولوژی عامل اصلی بسترسازی دولت الکترونیک در افغانستان می‌باشد.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۱۳.۳٪ نبود بانکداری الکترونیک، ۱۰.۸٪ نبود اینترنت قوی، ۳۷.۵٪ عدم آگاهی مردم، ۲۰.۰٪ نبود متخصصین تکنولوژی و ۱۸.۳٪ نبود برق دائمی را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که نقش اساسی رفع موانع تحقق دولت الکترونیک بیشتر در عدم آگاهی مردم است.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۳۴.۲٪ بسیار کم، ۲۶.۷٪ کم، ۲۹.۲٪ متوسط، ۵.۸٪ زیاد و ۴.۲٪ بسیار زیاد را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که تا حد بسیار کم اقدامات جهت ایجاد دولت الکترونیک در افغانستان صورت گرفته است.

بر اساس برآیند پرسش‌نامه‌ها ۱۹.۲٪ بسیار کم، ۳۰.۰٪ کم، ۲۶.۷٪ متوسط، ۱۱.۷٪ زیاد و ۱۲.۵٪ بسیار زیاد را انتخاب نموده‌اند. با در نظر داشت از آمار فوق نتیجه به دست می‌آید که اکثریت از پاسخ‌دهندگان به این نظر هستند که تا حد کم وضعیت فعلی اقدامات جهت بسترسازی دولت الکترونیک در افغانستان است.

چنانچه تذکر رفت ارائه خدمات به روز و کم هزینه توسط دولت خواست و نیاز هر جامعه‌ای است و تمامی کشورها در این راستا با چالش‌ها و موانعی اعم از فرهنگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی مواجه‌اند که این چالش در کشورهای مختلف در پهلوی مشابهت‌ها با توجه به ساختارهای اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جوامع از هم تفکیک می‌شوند. افغانستان نیز که از جمله کشورهای عقب‌مانده تلقی می‌شود در راستای به روز ساختن ارائه خدمات توسط دولت و بسترسازی برای ایجاد دولت الکترونیک با چالش‌ها و موانع متعدد مواجه می‌باشد؛ اما از جمله مهم‌ترین آن‌ها قرار ذیل اند:

عدم تأمین برق و اینترنت دائمی و ارزان (وجود زیربنایها): آماده بسترها و زیرساخت‌های اساسی در کشور جزو نیازهای اولیه در تمامی عرصه‌ها به شمار می‌آیند. داشتن برق دائمی جز نیازهای اولیه چه در اقتصاد توسعه یافته و چه در اقتصادهای عقب‌مانده تلقی می‌شوند و بدون دسترسی به آن

روند زندگی بشر بدون شک که با چالش متعددی مواجه خواهد شد. تحقق دولت الکترونیک در افغانستان نیازمند آن است تا امکانات و زیرساخت‌ها جهت آماده‌سازی بستری برای این منظور آماده شود و برق دایمی یکی از آن زیرساخت‌های اساسی تلقی می‌گردد موردی که متأسفانه تا حال در افغانستان نه تنها به شکل دایمی بلکه به نحو مقطعی نیز تمام مردم افغانستان به آن دسترسی نداشته و مراکز شهرها که انرژی برق مستفید شده‌اند آن‌هم از منابع با اعتماد تهیه نشده است و هر آن امکان از دست رفتن آن وجود دارد. پس تأمین برق دایمی و سراسر آن‌هم به‌عنوان چالش بزرگ فراراه برنامه‌های توسعه‌ای دولت از جمله ارائه خدمت به شکل الکترونیک قرار دارد. اینترنت دایمی و ارزان که تمام افغانستان را تحت پوشش قرار داده باشد و همگی از هم لحاظ مالی و هم از لحاظ دسترسی امکانات استفاده از آن را داشته باشد از جمله نیازهای اولیه دیگر جهت تحقق دولت الکترونیک و نیز به‌عنوان یک چالش مهم و قابل تأمل در این زمینه شناخته شده و از میان برداشتن آن نیازمند تعهد لازم و زمان طولانی می‌باشد.

نبود زیربنای تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات: از یک طرف افغانستان یک کشور غیرتولیدی به ویژه در عرصه صنعت و کالاهای تکنولوژیکی بوده و کاملاً وابسته به واردات است و از طرف دیگر به روز ساختن فعالیت‌ها و ارائه خدمات عامه ایجاب لوازم و تجهیزات فراوان را می‌نماید؛ تأمین این تجهیزات به‌عنوان یک مشکل سد راه تحقق برنامه مورد نظر در این زمینه است. این معضل از یک جنبه دیگر نیز قابل بحث است و آن اینکه چون در ارائه خدمات عامه توسط دولت و پیش‌برد فعالیت‌ها به شکل الکترونیک ذخیره‌سازی و هم‌چنان حفظ محرمانیت و مصونیت اطلاعات تبادل شده یکی از اصل‌های اساسی به‌شمار می‌رود و تهیه وسایل و تجهیزات مورد نظر از منابع خارجی و غیرقابل اعتماد با توجه به جنگ‌های استخباراتی پیچیده که امروز در جهان جریان دارد مملو از خطر و ریسک بوده که باید جدا که باید مدنظر قرار بگیرد.

عدم وجود افراد و اشخاص متخصص تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات: نقش و جایگاه والای سرمایه انسانی در پیشبرد فعالیت‌ها و ارائه خدمات مورد نیاز در سازمان‌ها به ویژه سازمان‌های دولتی برای همگان مثل آفتاب روشن و انکارناپذیر است؛ اما تربیت و داشتن این عامل ارزنده (سرمایه انسانی) در سازمان‌ها امروزی به یک دغدغه پرچالش مبدل شده است، به ویژه داشتن نیروی متخصص در عرصه دانش‌های روز مثل تکنولوژی آن‌هم برای کشورهای عقب‌مانده مثل افغانستان.

وجود فساد گسترده در ادارات دولتی: یکی از مواردی که در عدم پیشرفت در ایجاد دولت الکترونیک در افغانستان در تحقیق حاضر کاملاً محسوس است، عدم رضایت پاسخ‌دهندگان از اقدامات صورت گرفته دولت در جهت ایجاد دولت الکترونیک می‌باشد که البته عوامل متعدد می‌تواند در این راستا نقش داشته باشد. از جمله عدم موجودیت افراد متخصص و با مفکوره در ادارات مربوطه، عدم اراده، تعهد و صداقت لازم در نهادهای دولتی که در این راستا مسوولیت دارند، وجود فساد گسترده و بالاخره عدم توانایی‌های مالی دولت می‌تواند از دلایل اصلی در عدم انجام اقدامات چشم‌گیر توسط دولت در زمینه باشد.

عدم آگاهی مردم از مزایا و فواید دولت الکترونیک: در کنار تمام چالش‌ها و موانع که سد راه تحقق دولت الکترونیک در فوق از آن‌ها تذکر داده شد می‌توان از عدم آگاهی لازم مردم در قبال مسوولیت‌های نهادهای دولتی در ارائه خدمات به موقع و با کیفیت برای مردم نام برد که البته کمبود آگاهی در این زمینه تنها به استفاده کنندگان خدمات عامه خلاصه نشده بلکه شامل حال عرضه کنندگان این خدمات (کارمندان ادارات عامه) نیز می‌گردد.

البته چنانچه قبلاً نیز تذکر داده شد موانع و چالش‌های که مانع تحقق و ایجاد دولت الکترونیک در افغانستان می‌گردد به موارد فوق الذکر محدود و خلاصه نمی‌شود بلکه می‌تواند عوامل متعدد دیگر نیز در زمینه دخیل باشد.

و نیز هرکدام از موارد فوق الذکر و سایر موارد به‌عنوان پدیده‌های مستقل نه بلکه هرکدام آن‌ها ریشه در یکی دیگر آن دارد یا به عبارت دیگر تمام موانع و چالش‌ها وابستگی به یکدیگر دارند و یکی می‌تواند زمینه‌ساز برای دیگری باشد و برعکس هرگاه اگر قرار باشد یکی از این موانع را از میان برداریم، می‌تواند مقدمات از میان برداشتن موانع دیگر را نیز فراهم نماید

نتیجه‌گیری

از بررسی بعد تئوریک و کاربردی به چنین نتیجه می‌رسیم که دولت الکترونیکی شیوه‌های است برای حصول اطمینان از اینکه همه شهروندان به گونه‌ای یکسان از فرصت مشارکت در تصمیماتی برخوردارند که به نوعی بر وضعیت و کیفیت زندگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این شکل تازه از حکومت‌داری، شهروندان را از مصرف‌کنندگان منفعل خدمات دولتی به بازیگران فعال

تبدیل می‌کند که می‌توانند در باره نوع خدماتی که به آن نیاز دارند اظهار نظر کنند. ارتباط میان دولت الکترونیکی و حکومت‌داری خوب به قدری نزدیک است که برخی کاردانان معتقدند که دولت الکترونیکی اگر در نهایت به حکومت‌داری بهتر منجر نشود هرگز رسالت خود را به انجام نرسانیده است.

دولت الکترونیک امکانات گسترده‌ای را برای عینیت یافتن آرمان‌های حکومت‌داری خوب فراهم می‌کند و با به‌کارگیری تکنولوژی‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی به بهبود فرآیندهای ارائه خدمات در بخش عمومی، تسریع ارائه خدمات به شهروندان، پاسخ‌گوتر شدن مأموران دولتی، شفاف شدن اطلاعات، کاهش فاصله میان مردم و دولت‌مردان، مشارکت اثربخش‌تر شهروندان و اعضای جامعه مدنی در فرآیند تصمیم‌گیری عمومی، گسترش عدالت اجتماعی از طریق فرصت‌های برابر افراد برای دسترسی به اطلاعات و... کمک شایانی می‌کند و حکومت‌ها چنانچه بخواهند در مسیر تحقق حکومت‌داری خوب حرکت کنند باید به ابزار نیرومندی همچون دولت الکترونیکی مسلح باشند.

دولت الکترونیک، مزایای بالقوه متعددی را به همراه دارد. برای موفقیت در استقرار دولت الکترونیک، توجه به پذیرش و به‌کارگیری آن توسط شهروندان بسیار ضروری است. به‌منظور افزایش احتمال به‌کارگیری خدمات دولت الکترونیک توسط شهروندان، توجه به عوامل مؤثر و تدوین و اجرای سیاست‌های مناسب توسط دولت‌ها امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بر اساس نتایج پژوهشگران، فراهم بودن زیرساخت‌ها، در دسترس بودن و سهولت استفاده از مهم‌ترین موارد مرتبط با پذیرش دولت الکترونیک مانند تأمین برق دائمی، اینترنت ارزان و توانمند ساختن مأمورین دولتی در بخش‌های تکنولوژیکی می‌تواند بستر اساسی را برای تحقق دولت الکترونیک ایجاد نماید.

استقرار دولت الکترونیک در هر کشور به شرایط و عوامل بستگی دارد که مختص همان کشور است، اما مطالعات نشان می‌دهد که برای فراهم کردن بستر تحقق دولت الکترونیک تعدادی از عوامل از اولویت برخوردار هستند و نبود این عناصر مانع بزرگ برای بسترسازی، تحقق و استقرار دولت الکترونیک می‌باشد این عناصر در افغانستان عبارتند از تأمین برق و اینترنت دائمی و ارزان، زیربنای تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، و ارتقاء ظرفیت مأمورین دولتی در عرصه تکنولوژی،

آگاهی عامه برای مزایا و فواید دولت الکترونیک برای حکومت‌داری خوب در افغانستان. بر علاوه این وجود فساد گسترده نیز یکی از مانع بزرگ بر سر راه تحقق دولت الکترونیک می‌باشد؛ چون در وجود دولت الکترونیک سطح فساد کاهش می‌یابد.

همچنین از تجزیه و تحلیل پرسشنامه در این مورد چنین نتایج به دست آمد که بسیاری از اشخاص پاسخ‌دهندگان تحقق دولت الکترونیک در افغانستان را زیربنای تکنولوژی، وجود افراد متخصص و تأمین برق دائمی می‌داند و ترقی و اقدامات در این مورد را به ترتیب در زیربنای تکنولوژی، بانکداری الکترونیک و وجود برق و اینترنت دائمی و ارزان در کشور می‌داند. برخی پاسخ‌دهندگان اقدامات اخیر در راستای دولت‌داری الکترونیک را مربوط به افراد متخصص و تکنولوژی می‌داند. به همین منوال پاسخ‌دهندگان به این باور بوده که عدم علاقه‌مندی دولت برای تحقق دولت الکترونیک نبود برق دائمی، نبود زیربنای تکنولوژی و نبود افراد متخصص است. همچنین پاسخ‌دهندگان به این باور بوده که عنصر اساسی در رایج ساختن و استقرار دولت الکترونیک را در واگذاری به بخش خصوصی می‌داند و این را مسئولیت وزارت مخابرات و تکنولوژی می‌داند. اکثریت پاسخ‌دهندگان عدم آگاهی مردم از مزایای دولت الکترونیک را بزرگ‌ترین چالش می‌داند. چالش دوم از نظر پاسخ‌دهندگان نبود افراد متخصص در ادارات دولتی می‌باشد. همچنین اکثریت پاسخ‌دهندگان به این نظر بودند که اقدامات جهت ایجاد دولت الکترونیک از طرف دولت بسیار کم است. به نظر آن‌ها وقفه در ارائه خدمات دولتی می‌تواند با استقرار دولت الکترونیک کاهش یابد.

بنابراین، بسترسازی برای تحقق دولت الکترونیک در افغانستان و ارتقای این عناصر و ایجاد زمینه برای بهبود شرایط، بهتر است در حوزه زیرساخت انسانی، در تمامی نهادهای دولتی از قبیل سازمان دولت و نهادهای خصوصی و عموم مردم، از نظر آموزشی و فرهنگی و افزایش دانش کارکنان و توانمندسازی تلاش صورت گیرد؛ تا امکان جذب، استفاده، نگهداری و ارتقای تکنولوژی اطلاعات به حد مطلوب نزدیک شود. از نظر تکنولوژیکی دو راه بیشتر وجود ندارد، یکی افزایش توانمندی‌های فنی و داخلی با گسترش تحقیقات کاربردی و بنیادی و اختصاص منابع کافی و دوم استفاده از تکنولوژی‌های نوین خارجی که این عامل بیشتر در سطح کلان کشور و حوزه سیاست‌گذاری باید مد نظر قرار گیرد. از نظر عوامل سازمانی، ایجاد

انگیزه‌های لازم برای تغییر ساختار و منطبق کردن آن‌ها با تکنولوژی اطلاعات و توجیه مدیران و سیاست‌گذاران جهت تخصیص سرمایه مناسب به IT و اصلاح فرآیندهای سازمانی به کمک IT شرط لازم برای استفاده مناسب و مهیاسازی شرایط خواهد بود. از نظر عوامل اقتصادی و مؤلفه‌های مربوط، تأمین مالی، افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها و تخصیص ردیف بودجه، استفاده اقتصادی از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، ارتقاء ظرفیت بخش خصوصی و به طور کلی حمایت دولت الزامی خواهد بود.

بخش دولتی در ارتباط با فراهم نمودن زیرساخت‌های مورد نیاز، به گونه‌ای که برای همگان به سادگی قابل دسترسی باشد، باید به‌طور ویژه تلاش کند و شرایطی را فراهم کند که شهروندان به راحتی بتوانند با به‌کارگیری این سیستم‌ها، از خدمات دولت الکترونیک، آن‌گونه که مدنظر است بهره‌مند شوند. از طرف دیگر، بخش عمومی می‌تواند با تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب، گام مؤثری را در جهت اطلاع‌رسانی و ارتقاء سطح آگاهی عمومی بردارد و از این طریق، شهروندان را با انواع خدمات موجود و نحوه استفاده و مزایای بالقوه آن آشنا کند. بنابراین، با توجه به یافته‌های تحقیق به نظر می‌رسد که دولت راهبر این جریان حیاتی است و با سیاست‌گذاری مناسب، تلاش در اجرایی کردن ارائه خدمات از طریق الکترونیکی کردن، محقق شدن دولت الکترونیکی در کشور قابل تصور خواهد بود.

منابع

۱. آریان‌پور، منوچهر و دیگران، فرهنگ انگلیسی به فارسی، ج ۱، چاپ ششم، تهران، جهان‌رایانه، ۱۳۸۵.
۲. ابراهیمی، صفر، محمد بختیاری، دولت الکترونیک، ابرار اقتصادی، CD، ۱۳۸۰.
۳. استیفن، هاگ، کامینگز، مانیو، سیستم‌های اطلاعاتی مدیریت، مترجم، محمد ولی‌پور، ابراهیم نوروژی و احمد نوروژی، انتشارات آذرخش، ۱۳۹۰.
۴. الهی، شعبان، عبدی، بهنام، دانایی فرد، حسن، پذیرش دولت الکترونیک در ایران: تبیین نقش متغیرهای فردی، سازمانی و اجتماعی مطرح در پذیرش فناوری، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره ۱، ۱۳۸۹.
۵. ایمانی، سمیه و یوسفی، باقر، اولین همایش ملی الکترونیکی مباحث نوین در علوم باغبانی، ۱۳۸۹.
۶. جهانگیری، علی علوی، نازنین، بسترسازی برای استقرار دولت الکترونیک، موسسه
۷. فتحیان، محمد، مهدی نوری، حاتم، جامعه اطلاعاتی و رویکردهای نوین در آموزش، مدیریت آموزشی، ۱۳۸۹.
۸. کردستانی، غلامرضا، پاسخگویی در بخش عمومی و اطلاعات حسابداری، مجله حسابرس، شماره ۳۹، ۱۳۸۶.
۹. محسنی، منوچهر، جامعه‌شناسی جامعه اطلاعاتی، تهران، نشر دیدار، ۱۳۸۰.
10. Brown, M. M., & Brudney, J. L. Achieving advanced electronic government services: An examination of obstacles and implications from an international perspective. Paper presented at the National Public Management Research Conference, Bloomington, IN, 2001.
11. Ghayur, A. Towards Good Governance: Developing an e-Government. Pakistan Development Review, 2006.
12. Means, G. & Schneider, D. Meta-Capitalism: The E-Business Revolution and the design of 21st century companies and markets. New York: John Wiley & Sons Inc. 2000.